

هفت سال گذشت و هنوز پرونده دادخواهی قربانیان قتل های زنجیره ای سیاسی در بایگانی قضایی رژیم اسلامی ایران است!

از آن روز که مجید شریف دگراندیش مذهبی، مترجم و فعال سیاسی را از پیش شناسایی و بایلاس ورزش در مسیر دوندگی اش ربودند و جسدش را در بهشت زهرا ساختند، بعدتر دزدانه به منزل پروانه اسکندری و داریوش فروهر رفتند تا با کار دسلاخی آجین شان نمایند و از فعالان کانون نویسنده گان ایران محمد مختاری و محمد جعفر پوینده رانیز به شیوه ای همانند هم ابتداء ربودند، بعد در خانه های امن امنیتی شان کشتند و اولی رادر حوالی افسریه، کارخانه سیمان تهران و دومی رادر حوالی منطقه شهریارپل بادامک جسد هاشان را رها ساختند، هفت (۷) سال می گذرد.

تا به حال کمتر کسی رامی توان یافت که از کارکرد نظام اسلامی خبر داشته و از انتساب این جنایت به سران نظام تردیدی بخود راه داده باشد و یا هنوز ماهیت و انگیزه طراحان و عاملان پروژه قتل های سیاسی زنجیره ای در ایران رادر بر ادعای سران نظام منتسب به محافل " عناصر خودسر " بشمارد!

مردمی که سیاست زندگی سوز را نه در درون روزنه های اشباح رصد می کنند بلکه آنرا در زندگی روزان و شبان خویش در خیابان ها می یابند، چه جسورانه پاسخ معما رادر این شعاریابانی شان یافته اند: " قاتلین فروهر، زیرعبای رهبر " و همین مقتدای این جنایات را به همگان بازی شناساند.

در ایران جمهوری اسلامی همه چیز با آپارات فوق متمرکز ولایت مطلقه فقیه و تسلط اوبر دستگاه امنیتی و پلیسی فرمان می راند و بر همین دلیل دستیابی به اسناد و مدارک رسمی و محکمه پسندانهم در مورد قتل های سیاسی زنجیره ای، انتظاری ساده لوهانه است.

در حیات این نظام، راه یابی رئیس جمهور (محمد خاتمی) و کمسیون حقیقت یابش، در شرایطی به زیر علامت سنوال رفت که روزنامه سلام " محمد خونی ها " تنها گوشه هایی از نامه سعید امامی را انتشار داد و همان مختصر، روزنامه رابه توقیف کشاند و خود مسئول روزنامه در دادگاهی که هئیت منصفه اش حسینیان هاتشکیل می دادند، بجرم انتشار اسناد طبقه بندی شده، محاکمه و محکوم گردید و خود سعید امامی بعنوان یک سرنخ اصلی در درون زندان " واجبی " خورش کردند تا با گور کردن مهره های اطلاعاتی در مقابل دادخواهی وسیع و گسترده خانواده ها و جاسارت و کیل شجاع شان دکتر ناصر زرافشان در دستیابی به پاره ای سرنخ ها، هرگونه ردپایی راپاک کند و ریشه یابی رابه رذنی بکشاند که تا به امروز کشاندند!

آنچه تا امروز در ایران گذشت، نشان داده همه تلاش سردمداران رژیم بر آنستکه، پرونده قتل ها راببندند، دهان ها رابدوزند تا خود به اجراء و طرح های دیگری روی آورند و امروز هر اندازه که قطب بندی و بحران حاکمیت عمیق تر شده، تقویت کانون های اطلاعاتی و امنیتی موازی هم نیز وسعت یافته و ابعاد سرکوبگری و خشونت نیز فزونی می یابد و رژیم تنها از ابزار قدرت خویش یعنی خشونت، برای ادامه ثبات حکومت اسلامی شان، بهره می گیرند به همین دلیل، صرف بیزاری از خشونت، راه رابر کاربرد عملیات کور دولتی در ایران نخواهد بست. گرایشاتی که دعوت به عدم خشونت از جانب مردم رابه خاطر بیزاری یا هراس خویش از انقلاب تبلیغ می کنند، هیچگاه راه خشونت رابر چشم انداز پرشتاب حاکمیت در اعمال قدرت سرکوب نمی بندد و این نوع تبلیغ نیز در اساس تا به امروز به پرهیز خشونت های کور دولتی نیانجامیده است. در حالیکه هر اندازه راهجویی اراده مردم به مقاومت و مقابله در سنگر بندی توده ای را به شکل مسنولانه بدرون خانه های مردم ببریم و آنرا نسبت به استحکام اراده شان قویدل سازیم، حلقه محاصره به گرد رژیم ضد تاریخی جمهوری اسلامی را فشرده تر و مهوار پذیرتر نموده و خسران ضربه به زندگی مردمان کشورمان راکمتر می سازیم. این درس تاریخ را از یاد نبریم: بی آنکه مردمان جامعه ما، راه خود برای تدارک انقلاب را نپویند، نمی توان این نظام تابن دندان مسلح را از اعمال خشونت اش وا داشت و مهارش نمود. مخالفت صرف با خشونت بدون آنکه مردم عزم راسخ خویش را برای واژگونی نظام حاکم بیان دارند، کمترین شانسی را برای اصلاح و هر نوع پیروزی هموار نخواهد کرد که هیچ بلکه سردمداران نظام را در مسیر دستگیری؛ زندان، شکنجه، سنگسار، اعدام و سربیه نست کردن ها باز میگذاریم. تبلیغ این سیاست به امنیتی کردن بیشتر جامعه می انجامد و پیامدهای زیانبار و نابخشودنی بدنبال خواهد داشت و استمرار قتل های کور از چنین زرادخانه های بیرون می زند. در دهشت انبوه چنین هنگامه ای، اکنون پس از گذشت هفت سال از این سلسله کشتار فجیع و دلخراش، هنوز که هنوز است آمرین اصلی و عاملین آن، معرفی و به محاکمه کشانده نشده اند ولی در عوض وکلای خانواده های قتل های سیاسی زنجیره ای دکتر ناصر زرافشان با پرونده سازی کذابی، محکوم بزندان گردید و اکبر گنجی که در ردیابی اطلاعاتی پرونده، پای عالیجنابان سرخ پوش را به میان کشیده و پا به مهلکه خط قرمز های نظام گذاشته بود الان در زندان بسر می برد. امسال رژیم با بستن شمشیر از رو، برگزاری مراسم سالگرد فروهرها را در سالن های عمومی تهران بزرگ برای خانواده فروهرها ممنوع اعلام داشنه است تا راه را بر هر گونه تجمع عظیم و غیر قابل مهار ببندد.

برای فعالین سازمان ما همچون گذشته دست یابی به حقیقت فاجعه قتل های زنجیره ای سیاسی سال ۷۷ و دیگر سالها و گرامی داشت یاد: سعیدی سیرجانی- احمد میرعلایی- مجید شریف - پیروزدوانی - داریوش فروهر - پروانه اسکندری - محمد مختاری - محمد جعفر پوینده و زهرا کاظمی و ده تن دیگر، در برابر مردم ما و جهان مترقی بازمانده و دادخواهی آنان هنوز در دستور کار ماست. آری ما همیشه در کاریم ووو!!

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر

سه شنبه اول آذر ۱۳۸۴ - ۲۲ نوامبر ۲۰۰۵

